

## سرمقاله .....

## سالروز گشایش یک

## جبهه ی دیگر

بقیه از صفحه ۴

این وجود، این هنوز بدان معنا نیست که رژیم مالاها سورخ داعی که یافته است را رها کرده و خاطر خویش را با جستجوی راههای دیگر صدور سرکوب می آزارد.

همانگونه که چاله جمهوری اسلامی بر سر راه گاوچران تگزاسی و رمه مکانیزه اش برای کشورهای عضو اتحادیه اروپایی عمقی استراتژیک یافته است، به همان اندازه نیز راهبرد حذف یا دست کم بی اثر ساختن اپوزوسیون از طریق امتیازاتی که این موقعیت به دامان مالاها افکنده است، نزد آنان حیاتی و استراتژیک انگاشته می شود. بهره گیری از تفسیرهای ماکیاویستی و گشاده دستانه از مفاهیمی مانند "تروریسم"، "منافع ملی" و "قانون"، در این میان حکومت اسلامی را به طرح و راه اندازی پروژه های جدیدی تشویق نموده است که آخرین آن را در پرونده سازی علیه شماری از اعضای اپوزوسیون مقاومت و طرح شکایتیهای نزد پلیس بین الملل و دادگستری فرانسه می توان مشاهده نمود.

در دیگر سو، رژیم جمهوری اسلامی، تحت ویژگیهای مشابهی، همین سیاست را علیه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین در عراق به پیش می برد. آویخته شدن تیغ استرداد به جمهوری اسلامی و پیامدهای پیش بینی پذیر آن بر سر هزاران تن از نیروهای این سازمان در عراق، بیش از هر امر دیگری، ریشه در یک موقعیت بادآورده و تغییر فاکتورهای تعیین کننده در این کشور دارد. رویکرد شورای حکومتی عراق که اندکی پس از گمارده شدن به کار، دستور اخراج مجاهدین را صادر نمود، یک مدل مینیا توریزه شده از سیاستی را به نمایش می گذارد که پیش از این دولت فرانسه علیه مخالفان جمهوری اسلامی به کار گرفته است. روشن است که اقدام مزبور بیش از یک ژست سیاسی با هدف کاهش فشار جمهوری اسلامی در این زمینه نیست و هر راهکاری پیرامون وضعیت حقوقی مجاهدین در عراق، در انتها فقط می تواند توسط تصمیم گیرندگان اصلی در این کشور، یعنی ایالات

متحده اتخاذ گردد. امری که خود تابع فاکتورهای متعددی در پهنه سیاست منطقه و فرایند تحولات آن است. کانون محوری در این باره، همچون تجربه فرانسه، بستری است که اصولاً امکان دست یازی به قهر ظاهراً قانونی علیه حقوق دموکراتیک شهروندان متشکل یا پراکنده این یا آن کشور را تحت عنوان "مبارزه با تروریسم" فراهم آورده است. بدون توجه به این عامل، نقد و برخورد با سیاستهای مشخصی که بر پایه آن و به منظور تامین اهداف مقطعی اتخاذ می گردند، به هیچ رو کارساز و نتیجه بخش نخواهد بود. اشتباهی مهلک خواهد بود هرگاه مانور پیرامون این سیاستها، به جایگاه تنها خط مشی غالب برای خنثی سازی داعیه ی پوچ "تروریسم"، فرارزاده شود. برآمد مادی راهکاری از این دست، درآمدن به گروگان سیاستهایی است که مستقل از درونمایه ی عمیقاً ریاکارانه و ضد دموکراتیک آنها، به سبب ماهیت ابزاری و مشروط، حتی از منظر پراگماتیستی نیز فاقد هرگونه ارزش عملی در جهت باز تعریف جایگاه "متهمان" می باشد.

اغتشاش آگاهانه در کاربرد واژه "تروریسم"، در جوهره ی خود هدفی سیاسی را پی می گیرد که فشرده آن را می توان در یک جمله بیان نمود و آن رویارویی قهری با هر شکلی از مقاومت یا بحران، مستقل از زیربنای آنهاست. براین اساس، به عنوان مثال - آنگونه که جنوا(ایتالیا) نشان داد - حتی حفاظت از تظاهرات هم می تواند با برچسب تروریستی آذین گردد. در اینجا لگدمال شدن حق پایه ای اعتراض توسط یک تعریف اراده گرایانه ی متکی به قهر دولتی، تنها بخشی از گوهره این سیاست تهاجمی را به نمایش می گذارد. هسته ی اصلی در تبیین حرکت مزبور، در علائق و منافی نهفته است که کنفرانس جی ۸ یا اتحادیه اروپایی یا ایالات متحده، تامین و پاسداری عربان آزان را به هر قیمت و با هر ترفند قانونی یا غیرقانونی، در صدر وظایف خود قرار داده اند.

دفاع از حق مشروع مقاومت یا خواست بهره مندی از حقوق از صراحت یافته در پیمانهای بین المللی، نیازمند نگاه فراگیر به مجموعه ای است که برای نقض این ارزشها قد برافراشته است. در این رابطه تفکیک مصنوعی میان میان اهداف و متد و تمرکز جداگانه پیرامون یکی از آنها، نمی تواند واقعی و مفید باشد. به چالش گرفتن انحصاری مبنای حقوق اتهام "تروریسم"، زمینه های عینی که دنگ مزبور بر پایه آن تراشیده شده و در خدمت آن به

کارگرفته می شود را نادیده می گیرد. امری که از یک سو به دلیل میدان گشاده تفسیر از این مفهوم و دست باز مفسرین آن در به کارگیری اش، ورود به یک پروسه ی بی انتها ی حقوقی با نتایج مبهم را در پی خواهد داشت. از طرف دیگر، خطر آن است که تمرکز یک سویه بر این زاویه از موضوع، سبب به حاشیه رانده شدن علل نهایی آن و از این طریق، بی آزار یا حتی بحث پذیر جلوه دادن آن گردد.

به همین گونه، مطلق نمودن راهکار به کشاکش در پهنه ی استراتژیها و جهات نهایی که مقصود وضع کنندگان "تروریسم" به سمت آن به حرکت درآمده است، به ویژه برای نیرویی که هم اکنون بر صندلی اتهام نشاند شده و با پیامدهای آن به گونه ی بی واسطه ای روبرو است، رویکردی رهگشا و واقع بینانه به شمار نمی رود.

نگاه فراگیر به هر دو بخش سیاست تهاجمی مورد بحث و شناخت پیوندهای انکارناپذیر آن، در عمل به مفهوم مبارزه و واکنش فعال در کلیه پهنه هایی است که این سیاست بر آنها تاثیر می گذارد و حضوری محسوس دارد. این می تواند یک مجموعه از تلاشهای سازمان یافته برای بسیج نیروی اجتماعی مخالف یا برانگیختن آن به ابراز همبستگی فعال، حرکت در جهت تغییر شرایط ساختاری و سیاسی خود به منظور به دست گرفتن تدابیری که توانایی حرکت در چارچوب دگرگون شده را ممکن سازد و سرآخر به پیش بردن کارزارهای هدفمند در پهنه های حقوقی که گستره ای از حقوق سیاسی اخص تا شهروندی عام و حقوق بین الملل را شامل گردد، دربرگیرد.

۱۷ ژوئن، سالروز گشایش یک جبهه ی دیگر علیه منافع مردم ایران و حق مسلم آنها در مبارزه علیه استبداد مذهبی حاکم، حاشیه ای است که سرکوب و قهر دولتی در اروپا، در جمهوری اسلامی و در عراق بر تاریخ کشورما افزوده است. تاریخ را اما نه حاشیه نویسان که تاریخ سازان می نگارند.

## «مقاومت در برابر فاشیسم»

## مذهبی حق است»

زینت میرهاشمی

هزاران آزادیخواه و مدافع حقوق بشر در همایش سالگرد ۱۷ ژوئن در شهر اورسوراواژ فرانسه شرکت کردند.

در ۱۷ ژوئن سال گذشته، دولت فرانسه پس از بستن قرارداد تجاری در تاریخ ۱۲ ژوئن با رژیم ایران، حمله گسترده و وحشیانه ای به محل اقامت خانم مریم رجوی و اعضای سازمان مجاهدین خلق در اورسوراواژ نمود. طی این یورش، خانم مریم رجوی همراه با حدود ۱۶۰ نفر از اعضا و هوادارن مقاومت ایران دستگیر شدند. این اقدام دولت فرانسه هدیه ای به رژیم بنیادگرایی ایران بود.



در ساگرد ۱۷ ژوئن، بار دیگر هزاران ایرانی بر حق مبارزه علیه استبداد، و مبارزه برای آزادی و دموکراسی تاکید کردند.

در همایش ۱۷ ژوئن در اورسوراواژ، تعدادی از وکلا، شخصیتهای مدافع حقوق بشر و فعالان سیاسی از ملیتهای مختلف سخنرانی کرده و عمل دولت فرانسه را محکوم کرده و حمایت خودشان را از مقاومت ایران اعلام کردند.

خانم مریم رجوی در گردهمایی ۱۷ ژوئن با اشاره به آنچه در سال گذشته اتفاق افتاد از مردم فرانسه و آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر از سراسر جهان که آنها را یاری و حمایت نمودند تشکر کرد و گفت «مقاومت در برابر فاشیسم مذهبی حق است»

خانم مریم رجوی در بخشی از سخنان خود گفت: «اگر مقاومت برای آزادی ایران جرم محسوب می شود، من با افتخار تمام اعلام می کنم که حاضرم تمام عمرم را در پشت میله های زندان سپری کنم ولی از مقاومت برای آزادی کوتاه نخواهم آمد.»